

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاکستان باید جنایاتش را علیه مردم کشمیر خاتمه دهد



(ترجمه)

در آستانه ی روز استقلال پاکستان، اختلافات میان کشورهای هند و پاکستان دوباره اوج گرفته است. حال آن که در دوران نرنندرا مودی وضعیت چنین به نظر نمی رسد. با توجه به اوضاع جاری، همه می دانیم که پالیسی هند برای کشتار مسلمانان کشمیر، بخشی از استراتژی است که با استفاده از آن این کشور می خواهد روحیه مردم کشمیر را از بین برده و با تغییر در ساحات مسکونی جمعیت های جامو و کشمیر، قسمت اعظم از مسلمانان کشمیر را از پاکستان جدا سازد. نفیس زکریا، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در نشست خبری هفته وار به خبرنگاران اظهار داشت: «نه این دایره های خبیثانه ی خشونت آمیز و نه تقبیح از سوی دولت برای مردم جدید است، بلکه از گذشته تا به حال این سیاست های نادرست جریان دارد. در واقع از سال ۱۹۴۷م، دولت های پاکستان بطور متوالی در تعهد و تلاش خود برای آزاد سازی کشمیر از حکومت مستبد هند شکست خورده اند.

در حال حاضر سازمان ملل تلاش دارد تا مسأله کشمیر را در این سازمان مطرح بحث قرار دهد، اما کشمیری ها در این اواخر کوشش دارند تا با روی آوردن به پاکستان این مسأله را از این طریق حل نمایند. در این مورد سه راه حل مطرح شده است. شرح این سه راه حل قرار ذیل اند:

اول: "خط کشی سرحد" که در واقع مساوی به تثبیت "خط کنترل" به یک مرز دائمی میان هند و پاکستان است. یک راه حل وضعی که بطور رسمی کشمیر را به "کشمیر آزاد" مربوط پاکستان و "کشمیر اشغال شده" مربوط هند می شود، تقسیم بندی می نماید.

دوم: "عدم خط کشی سرحد" به این معنی که تبدیل خط کنترل میان دو کشور به یک مرز آزاد است و باعث واردات و صادرات اموال تجاری و رفت و آمد مردم بطور آزاد در سراسر سرحد کشمیر می شود.

سوم: "خط کشی مجدد سرحد" که این از یک طرف برابر است به ترکیب آن دو راه حل گذشته، و در ظاهر طوری وانمود می کند که به کشمیر استقلال داده خواهد شد. اما با همکاری پاکستان و هند، وضعیت سیاست های خارجی و اقتصادی اش را این کشور (هند) تحت کنترل قرار خواهد داد.

دلیل اصلی عدم راه حل مناقشات کشمیر هیچ ارتباطی با راه حل های مختلف که پیشنهاد شده، ندارد. اجازه دادن دخالت قدرت های خارجی و چالش های داخلی که هند و پاکستان در دست یابی به راه حل کشمیر برای مردم خود قرار داده اند، به نظر می رسد دلیل اصلی عدم استفاده از قدرت نظامی پاکستان برای آزاد سازی کشمیر از سلطه ی هندوها است.

جنگ "کارگیل" در سال ۱۹۹۹م آخرین باری بود که پاکستان از قدرت نظامی خود علیه هند بخاطر آزاد سازی کشمیر از زیر سلطه ی هندوستان استفاده کرد. در پی درخواست و دستور امریکا، پیروزی شان کوتاه مدت بود و واشنگتن برای بهره برداری از دخالت پاکستان در جنگ کارگیل به منظور کمپاین رأی دهنده گان در انتخابات هند برای رأی دادن به حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) و سرنگونی کانگرس از قدرت، اقدام کرد.

افتخار و قدرت گرفتن حزب بهاراتیا جاناتا در انتخابات روابط دوجانبه ی هند و امریکا را مانند "نزول همسان آب آشبار" به اثبات می رساند، که یک دوره جدیدی از همکاری های استراتژیک را میان خود آغاز نمودند. این دوره هم چنان با تیره گی شدید روابط میان پاکستان و امریکا همراه شد. از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، امریکا نقش پاکستان را در شبه قاره هند برای جلوگیری از قدرت گرفتن گروه ها و ملیشه های جنگی و محافظت از تمامیت ارضی هند، با پیشگیری منطقه ای با سپر دائمی از حملات ملیشه های جنگجو شکل داده است که دربرگیرنده محافظت سرحد میان هند و پاکستان است.

تجدید نظر در سیاست خارجی پاکستان تحت دستور و نظارت امریکا، یک پاداش بزرگی مانند "کوه طلاء" برای هند بود. این کار به نخبگان و سیاستون هندو اطمینان داد که مشکلی جدی کشمیر حل نخواهد شد و در نتیجه از جنبش های تجزیه طلبانه ای که کشمیر را از هند یا "بهارتی ماتا" جدا می سازد، جلوگیری می کند. بنابر این، طی ۱۷ سال گذشته، حل مسأله جدال و مناقشات کشمیر هیچ پیشرفت نکرده است.

واشنگتن و دهلی به سرعت متوجه شدند که هند تنها می تواند با چین مقابله کند، همان طور که توسط استراتژی امریکایی پیش بینی شده است، اگر اختلافات کشمیر به طور دائمی حل شود، هیچ کس قادر به فرونشاندن انگیزه ی مجاهدین کشمیر نخواهد بود که آن ها خود را می خواهند از حکومت هند آزاد سازند.

در این زمینه، نقش عمومی پاکستان در حمایت از کشمیر، با تلاش های خود برای یافتن راه حل قابل قبول برای هند و امریکا از طریق راه های دیپلماسی، مخالف منافع کشمیری ها است. همکاری پاکستان در کمک و همکاری با امریکا و نخبگان هندو، دلیل اصلی این است که کشمیری ها هم چنان رنج ببرند.

یگانه راه حل برای آزاد سازی کشمیر این است که، پاکستان اردوی هند را در هم بکوبد و کشمیر را شامل خاک خود سازد. زمانی که هند به حیث یک ولایه ی دولت خلافت عثمانی به شمار می رفت، در آن زمان اورنگ زیب والی مغل ۲۵ سال متواتر همرای شورشیان هندو مبارزه کرد و صلح و ثبات سراسری را برای مسلمانان، هندوها و سایر افراد مذاهب دیگر تأمین نمود. اگر اورنگ زیب توانست چنین شاهکاری را در زمانی که جمعیت هند بیشتر از جمعیت مسلمانان بود، به دست بیاورد، پس شما تصور کنید امروزه مسلمانان هند و پاکستان با این همه امکانات و دست رسی به وسایل مدرن چه پیروزی هایی را می توانند به دست بیاورند. اگر آن ها با افواج (امت) یکجا شده و برای تأسیس مجدد خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت فعالیت کنند، بدون تردید راه اصلی و حل معضل نه تنها کشمیر و کشمیریان، بلکه تمام امت را پیدا خواهند کرد.

نویسنده: عبدالمجید بهاتی

برای جریده الرایه

نمبر موضوع ۱۴۳

٢٤ ذوالقعدة ١٤٣٨ هـ ق
١٦ اگست ٢٠١٧ م